

پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ۱۸ شماره ۳۵ پاییز و زمستان ۱۳۹۹ (صص ۲۴۴-۲۲۷)

مقایسه نظریه آینده متعالی با مرگ اندیشی خیام

۱- زهره ملاکی ۲- سید علی افشین ۳- فریده سادات حسینی

چکیده

اندیشیدن درباره‌ی مرگ و سخن گفتن از آن یکی از بن مایه‌های رایج در ادبیات و جریان اندیشه‌های هر ملت است. به دلیل ناشناخته بودن این پدیده، هریک از اندیشمندان بسته به فرهنگ و درک مخاطبانشان به تعبیرهای متفاوتی از مرگ و مرگ‌اندیشی روی می‌آورند و معانی متفاوت و متناقضی از آن به دست می‌دهند که این مسأله در گذشته‌ی ادبی ایران به اشکال گوناگون نشان داده شده است. پژوهش حاضر بر آن است تا با مقایسه مرگ‌اندیشی از دیدگاه عمر خیام رباعی سرای دانشمند قرن پنجم هجری و دیدگاه پژوهشگران جدید غرب مانند زیمباردو تفاوتها و شباهت‌های آنها را نشان دهد. این پژوهش از نوع تحلیل مقایسه‌ای است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای با استناد به منابع پژوهشی مکتوب انجام گرفته است. پرسش اصلی مقاله این است که تفکر مرگ‌اندیشی در دو دیدگاه چه معنایی دارد؟ یافته‌های حاصل پژوهش نشان می‌دهد که عمر خیام بیشتر نگاهی بدبینانه و مادی به مرگ و مقوله‌های مرگ دارد و از مفاهیمی چون خوشباشی، دم‌غنیمت‌شمی، پوچی مرگ استفاده می‌کند در حالی که آینده متعالی دارای یک دید خوش بینانه نسبت به مرگ است و از مفاهیمی مانند خودکشی، سازندگی و توجه مثبت استفاده می‌کند.

کلید واژه‌ها: مرگ‌اندیشی، آینده متعالی، خیام، زیمباردو، بوید.

۱. مقدمه

مضمون‌هایی چون زندگی و مرگ، خیر و شر، دادگری، ستمکاری، عشق، ایثار، پدرکشی، فرزندکشی و... دارای ماهیتی فراملی و جهان‌شمول و در ادبیات ملت‌های مختلف نمود‌های کم

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خلیج فارس (نویسنده مسئول) Email: z.malaki@pgu.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه خلیج فارس

۳- استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه خلیج فارس

تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۲۸

و بیش یکسانی دارند. البته گاه می توان علت این تشابهات را در ادبیات شفاهی، اساطیر، کهن الگوها و یا ضمیر ناخودآگاه ملت ها جستجو کرد. از جمله این افکار مرگ اندیشی است که در میان اندیشمندان اسلامی و غربی همواره مورد توجه بوده است. در دیدگاه اسلامی به دانشمندانی چون ابن خلدون (۷۳۲ - ۸۰۸ ه.ق.)، ابوحامد کرمانی (۵۳۰ - ۶۰۵ ه.ق.)، ابوعلی سینا (۳۵۹ - ۴۱۶ ه.ق.)، جابر بن حیان (۱۰۰ - ۱۹۴ ه.ش.)، خواجه نصیرالدین طوسی (۵۷۹ - ۶۵۳ ه.ق.) و عمر خیام نیشابوری (۴۲۷ - ۵۱۰ ه.ق.) می توان اشاره کرد اما در روانشناسی، پژوهش درباره آینده متعالی (Transcendental-Future) یکی از روندهای نوظهور است که به مسائل مربوط به مرگ و مردن که از موضوعات نزدیک به چشم انداز زمان است، می پردازد. شروع این گونه پژوهش ها با توضیح فروید (Freud) در مورد مذهب آغاز شد؛ که اعتقاد داشت دین یک طرح کلی از خواسته ها و نیازهای درونی یک فرد است (Freud, 1959: 75). پس از چند دهه روانشناسی مرگ در جهت ارزیابی روانی از مرگ، تقویت شد (Hood, Mooris, 1983: 353). در دیدگاه Hood و Mooris (1983: 353) مرگ به عنوان تعالی در نظر گرفته می شود. دیدگاه دیگر «تئوری مدیریت وحشت» و «زمان آینده متعالی» بوید و زیمباردو است که اندیشه های آن ها برگرفته از اندیشه لیفتون (Lifton) (1971) درباره اجتناب ناپذیر بودن مرگ و تلاش برای جاودانگی با استفاده از مفاهیم نمادین است (Hood, Mooris, 1983: 353).

۱-۱- بیان مسأله و پرسش های تحقیق

خیام نماینده تفکر علمی گذشته ی ایران است که در رباعیات فلسفی خود پرسش هایی در مورد مرگ مطرح کرده و با به کار بردن تشبیه و استعاره های گوناگون اضطراب و غیر قابل درک بودن مرگ را نشان داده است و برای غلبه بر آن راهکارهایی ارائه داده است که با فرهنگ مذهبی ایران منافات دارد و این در حالی است که بستر شکل گیری افکار او جامعه ای با بنیان های قوی مذهبی است که مسأله مرگ در آن حل شده است. اما دیدگاه آینده متعالی مربوط به دنیای جدید است که در بستری غیرمذهبی به مرگ می اندیشد و برای نجات از اضطراب مرگ راهکارهایی پیشنهاد می کند. از آنجا که تاکنون پژوهشی جامع بر اساس یافته های نوین با محوریت مرگ اندیشی، انجام نشده است، پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که مبانی فکری اندیشمندان گذشته علمی ایران مانند خیام چه شباهت ها و تفاوت هایی با دانشمندان عصر جدید دارد که به مرگ به عنوان آینده متعالی می نگرند. از این رو، مباحث اساسی این پژوهش، عبارت اند از:

۱. مفهوم «آینده‌ی متعالی» و «مرگ‌اندیشی»، خیام چیست؟
۲. مقابله با اضطراب مرگ از نظر این دو دیدگاه چگونه است؟
۳. مفهوم جاودانگی و اعتقاد به بهشت و جهنم از نظر این دو دیدگاه چیست؟
۴. تأثیر مرگ‌اندیشی بر اغتنام فرصت چگونه است؟

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف از پژوهش حاضر این است که اندیشه‌های موجود در ادبیات فارسی بازخوانی شود تا موضوع مرگ و معنی زندگی که یکی از چالش‌های جدی فکری انسان، به‌ویژه انسان معاصر است، بررسی شود و دیدگاه مرگ‌اندیشی مبهم و چالش‌برانگیز خیام در مقایسه با یافته‌های علوم جدید روشن‌تر شود. ضرورت پژوهش حاضر از این جهت است که قابلیت شعر فارسی را از لحاظ انعکاس بخشی از محتوای دانش ایرانیان و افکار فلسفی آنها بر بستر تاریخی بیان می‌کند و در مقایسه با دانش جدید عیار آن را مشخص می‌کند.

۳-۱- روش تحقیق

این پژوهش به روش تحلیلی - مقایسه‌ای، داده‌های حاصل از متون مختلف بویژه رباعیات خیام و یافته‌های روانشناسی جدید در حوزه دیدگاه آینده متعالی را بررسی می‌کند. مطالعات کتابخانه‌ای و جستجو و استخراج منابع از فضای مجازی، مبنای این پژوهش بوده است.

۴-۱- پیشینه پژوهش

نظریه «چشم‌انداز آینده متعالی» نخستین بار در پژوهش‌های Boyd, Zimbardo (۱۹۹۶)، بیان شده و در پژوهشی با عنوان «چشم‌انداز آینده متعالی، ساختار زندگی پس از مرگ» معرفی شده است. Ortuño, Paixão, Janeiro (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «سازگاری مقیاس چشم‌انداز آینده متعالی با فرهنگ پرتغال» بیان کرده‌اند که مفهوم کلی «چشم‌انداز آینده متعالی» یک بعد از درک اعتقادات در مورد تصور آینده از زمان مرگ فیزیکی بدن تا بی‌نهایت است. در زبان فارسی بررسی مرگ‌اندیشی و رویکردهای مرتبط با آن موضوع چندین پژوهش قرار گرفته است. از آن جمله باید به مقاله‌ای با عنوان «تصویر مرگ و زندگی در شعر معاصر ایران» از حسن فروغی و مهناز رضایی اشاره کرد که به بررسی مقوله مرگ‌اندیشی در ادبیات معاصر و آثار کسانی همچون سهراب سپهری، اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، نیما یوشیج و احمد شاملو پرداخته است. همچنین شکوفه نوروزی در مقاله‌ی «بررسی تطبیقی مرگ‌اندیشی در آثار قیصر امین پور و سهراب سپهری»

بر این نکته تأکید می‌ورزد که در شعر معاصر حضور مرگ، عمیق‌تر و بیشتر از گذشته است. نمونه دیگر، مقاله «مرگ و مرگ اندیشی در اشعار اخوان ثالث، شاملو و فروغ فرخزاد» نوشته سعید حسام‌پور، سمیه نبوی واعظم حسینی است. تاکنون پژوهشی به صورت تطبیقی به بررسی مرگ اندیشی از دو دیدگاه روانشناختی و ادبی نپرداخته است.

۲. آینده متعالی و مرگ اندیشی خیام

بن‌مایهٔ ۳۶ رباعی با اصالت خیام، حاکی از این است که خیام پیوسته به مسئلهٔ مرگ و زندگی می‌اندیشیده و هر رباعی خیام لامحاله ناظر به درام آفرینش، یا متضمن اغتنام دم، وحشت و اندوه مرگ است (دشتی، ۱۳۸۲: ۱۷۶؛ فولادوند، ۱۳۴۸: ۱۲). مرگ در اندیشهٔ خیام مهم‌ترین اندیشه و دغدغهٔ اوست که ذهن وی را مشغول کرده است و از آنجایی که هیچ کس حتی خودش از آن آگاهی ندارد برایش دلهره آور است. (خطاط، شوهانی، ۱۳۸۵: ۵۴). خیام بزرگ‌ترین نمایندهٔ بدبینی نسبت به مرگ و روز رستاخیز است. در شعر خیام، مرگ امری متعالی و آرمانی نیست، بلکه دارای سرشت زمینی و زادهٔ زمان و چرخ دوار است و در مجموع پدیدهٔ ای است ناپسند و مایهٔ عبرت و سبب غنیمت داشتن زندگی دنیوی که به شادی‌های زندگی و عیش و نوش پایان می‌دهد (نوروزی داود خانی، ۱۳۷۹: ۱۱۰؛ نفیسی، ۱۳۸۵: ۲۳).

برگیر پیاله و سبو، ای دلجوی	فارغ بنشین به کشت زار و لب جوی
بس شخص عزیز را که چرخ بدخوی	صد بار پیاله کرد و صد بار سبوی

(خیام، ۱۳۸۱: ۱۰۶)

خیام باور دارد که همه ما به خاک تبدیل خواهیم شد و بقایای ما به منزلهٔ ی کودی خواهد بود برای دگرذیسی‌های دیگر، بدن ما آجری خواهد شد برای ساختن گورهای دیگر و برای قربانیان دیگری که در پی می‌آیند. در حقیقت «مرگ از دید خیام تحول و تبدل مستمر صورت‌ها یا همان تناسخ مادی است که خیام مبانی فلسفی شناختی‌اش را از این نوع مرگ در نماد کوزه و خاک و سبزه‌ی بردمیده از خاک بیان داشته و با تأثیری فراوان به گردش پایان‌ناپذیر ذرات از مرگ تا زندگی و از زندگی تا مرگ با افسوس شاعرانه‌ای تعظیم می‌کند» (خطاط، شوهانی، ۱۳۸۵: ۵۹) اما چشم‌انداز آیندهٔ متعالی اولین بار در پژوهش‌های (Boyd & Zimbardo 1996:38) بیان شده است. بوید و زیمباردو "آیندهٔ متعالی" را زمان انتقال از مرگ فیزیکی بدن به ابدیت تعریف می‌کنند؛ که می‌تواند رفتارهای زندگی را تحت تأثیر قرار دهد (Boyd & Zimbardo, 2005:191)

بوید و زیمباردو اعتقاد داشتند که این آینده متمایز از آینده‌ی سنتی که شامل تصویری از مرگ فیزیکی تا بی‌نهایت و شامل اهدافی مانند دیدار با عزیزان از دست رفته، زندگی ابدی، تناسخ جسم تازه، اجتناب از نفرین ابدی و از بین رفتن فقر حال حاضر، درد و رنج و شرم است؛ و بیانگر صفاتی است که با مجموع چشم‌اندازهای زمانی گذشته، حال و آینده ارتباط دارد. (Ortuño, Paixão, Boyd, Zimbardo & Janeiro, 2013;11) Boyd, Zimbardo (۱۹۹۶:۴۳)، ضمن تقسیم چشم‌انداز زمانی مرگ دنیوی (آینده‌ی سنتی) و چشم‌انداز زمانی پس از مرگ (آینده‌ی متعالی) اعتقاد دارند که تقسیم‌بندی آن‌ها به تفاوتشان در نگاه به اهداف قبل و بعد از مرگ نهفته است. اهداف آینده‌ی دنیوی شامل وقایعی مجرد هستند که در دوره‌ی محدودی از زمان و تا زمانی که فرد زنده است رخ می‌دهند، اما در دنیای آینده همه‌چیز برای همیشه طول می‌کشد؛ فرصت‌های شغلی بی‌پایان است؛ پاداش‌ها نامحدود است؛ مردم باگذشت و مهربان هستند. اهدافی که مربوط به آینده‌ی متعالی هستند دارای ماهیت پایدار هستند و پاداش این اهداف پس از مرگ دریافت می‌شود؛ هنگامی که در افراد انتظار زندگی پس از مرگ وجود داشته باشد آن‌ها ممکن است فکر کنند که تا ابد باید پاسخ‌گوی اعمال خود باشند، ممکن است با توجه به قوانین ابدی و احتمالات الهی رفتار کنند. پس برای افراد باهدف آینده‌ی متعالی ممکن است جایگاهشان به کارهای خیر و شر یا گناهان به پایان نرسد، بلکه آن‌ها ممکن است انتظار داشته باشند که ثمره کار خود را در ابدیت دریافت کنند. Tetlock, (1989:372) به طور کلی محور اصلی دیدگاه آینده‌ی متعالی درباره‌ی اجتناب‌ناپذیر بودن مرگ و تلاش به دنبال جاودانگی با استفاده از مفاهیم نمادین است (Van Beek, Kairys, 2015:479). گرچه در نگاه اول مرگ‌اندیشی این دو اندیشمند کاملاً مشابه به نظر می‌رسد اما با تأمل بیشتر مشخص می‌شود: که مرگ‌اندیشی خیامی تفکری برگرفته از اندیشه‌های شخصی‌اش است؛ و نگاهی مادی و پوچ‌گرایانه به مرگ دارد. درحالی‌که دیدگاه چشم‌انداز آینده‌ی متعالی به زندگی پس از مرگ اعتقاد دارد؛ اما اعتقاد خیام به مسئله‌ی روح و تن که ناظر به اعتقاد وی به تناسخ است، با چشم‌انداز آینده‌ی متعالی همخوانی دارد. مفهوم دیگری که در چشم‌انداز آینده‌ی متعالی بارز است اعتقاد به زندگی پس از مرگ به عنوان یک امر متعالی است؛ در حالی که خیام از مرگ به عنوان یک امر متعالی یاد نمی‌کند؛ و این احتمالاً بارزترین تفاوت آن‌هاست.

۳. مقابله با اضطراب مرگ

توجه به ناپایداری عالم و عشق ورزیدن به جنبه‌ی مثبت خلقت و ارزش نهادن به هر لحظه از

زندگی آدمی، همیشه وجود داشته است. خیام که مردی دنیا دیده و سرد و گرم روزگار چشیده و با تجربه است، می داند فردای نیامده مفهومی ندارد و انسان آزاد اندیش، به گذشته‌ی از دست رفته نیز نمی اندیشد و غم مال دنیا را هم نمی خورد. در حقیقت خیام از نگاه کسی که حقیقت مرگ را قبول دارد اما قدرت تحلیل آن را ندارد و یا تحلیل‌های متعارف او را متقاعد نمی‌کند، با طرح سؤالاتی درباره‌ی مرگ و زندگی، در نقطه‌ی مرگ به بن‌بست می‌رسد و چاره‌ای جز پناه بردن به خوشباشی و دم غنیمت شمردن نمی‌بیند (رحمدل، ۱۳۸۲: ۱۳۹؛ صمصام شریعت، کلاتری، ۱۳۹۳: ۶؛ کاکایی، جباره ناصرو، ۱۳۹۳: ۱۱۶). قبل از اینکه به تأثیر مرگ اندیشی در افکار خیام که باعث روی آوردن به دو مفهوم خوش باشی و دم غنیمت شمردن می‌شود، بپردازیم، لازم است به تعریف کوتاهی از معنی این دو کلمه بپردازیم:

۳-۱- **خوش باشی**: به معنی بهره بردن از لذت‌های حال حاضر، بدون توجه به عواقب آینده یا تفکر در مورد گذشته است، (حسن لی، حسام پور، ۴۷). خوشباشی در شرایط طبیعی امری مساعد است، زیرا انسان فطرتاً به‌گونه‌ای آفریده شده است که برای تأمین حب ذات، شادی و سرور، پیشه‌ی خویش می‌سازد؛ اما در شرایط نامساعد اجتماعی و دوران بحران هویت، نوعی گسست فرهنگی اتفاق می‌افتد که حس طبیعی خوش باشی با عوامل بازدارنده مواجه شده، از شرایط عادی بیرون آمده و رنگ فلسفی به خود می‌گیرد و ممکن است فرد به سه چشم انداز: ۱. تسلیم: لذت و شاد زیستی در قبال تسلیم، ۲. گریز: لذت و خوشی در قبال فرار از وضعیت ناراحت‌کننده ۳. مقابله، یا اصالت نفع: اندیشیدن به هر موضوعی در جهت نفع خود (پایکین و استرول، ۱۳۶۹؛ به نقل از رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۲۱) روی بیاورد.

۳-۲- **دم غنیمت شمردن**: اصطلاحی است که به نوعی از زندگی اطلاق می‌شود، که در آن انسان به جای آسیب رساندن به لحظه‌های زندگی، آن‌ها را پاس می‌دارد و از لحظه‌ها نهایت بهره را می‌برد. در ادبیات غرب، دم غنیمت شمردن، برگرفته از (odes) هوراس (Hoore) است. با این ایده که از لحظه‌ی حاضر بیشترین بهره را بگیر (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

تا کی غم آن خورم که دارم یا نه؟	وین عمر به خوش‌دلی گذارم یا نه؟
پرکن قدح باده که معلوم نیست	کاین دم که فرو برم برآرم یا نه؟

(میر افضلی، ۱۳۸۲: ۲۷۷)

خیام پس از اندیشیدن به مرگ با نگاه به این دو واژه نتیجه می‌گیرد که چرا انسان بیهوده به امید

فردای موهوم و ناآآمده غصه بخورد و بالاخره " بهره‌گیری از دم گذران زندگی را توصیه می‌کند ". چون حقیقت زندگی را به جز " دم " چیز دیگری نمی‌داند (صمصام، شریعت، کلانتری، ۱۳۹۳: ۷) و توصیه می‌کند تنها راه رها شدن از غم و اندوه پناه بردن به می و باده است (مسبق، نظری منظم، فرزبود ۱۳۹۱: ۱۵۶). پس می‌گوید: مرگ برای او دلهره‌آور و آزاردهنده است و آن را پایان کار جهان می‌پندارد و شاید به همین دلیل است که زندگی دنیا و بهره‌مندی از لذت‌های آن را غنیمت می‌شمارد و راه چاره را در " خوش بودن " و " خوش زیستن " می‌داند و اعتقاد دارد، زمانی لذت‌بخش خواهد بود که آدمی از قید ساخته و پرداخته‌های ذهنی برهد (صمصام، شریعت، کلانتری، ۱۳۹۳: ۶؛ خطاط، شوهانی، ۱۳۸۵: ۵۶). وی می‌گوید: وقتی آینده عهده دار زنده ماندن و زنده نگه‌داشتن کسی نیست، حال که زنده‌ای، این دل‌پر عشق و خیال و سودا را خوش دار و با غم‌ها سپری مکن. برای شادی دل، در زیر مهتاب دلپذیر می‌نوش، فراغ خاطری به دست آور، از گذشت عمر غافل مباش و دقایق عمر را غنیمت شمار (کاکایی، جباره ناصرو، ۱۳۹۳: ۱۳۲)

چون عهده نمی‌شود کسی فردا را
حالی خوش دار این دل پر سودا را
می‌نوش به ماهتاب ای ماه که ماه
بسیار بتابد و نیابد ما را
(خیام، ۱۳۸۱: ۹۸)

طبق یک اصل شخصی در زمان شناسی انسان، مغز انسان می‌تواند به سطحی رشد کند که مردم از زمان وجود خودشان آگاه شوند (Semma, Sircova, Baltin, 2014:68) همراه با توانایی تصور آینده یک نوعی از استرس روانی که همان آگاهی از غیرقابل‌اجتناب بودن مرگ هست به نظر می‌رسد (Suddendorf, Corballis, 2007:301). برای کاهش این عوامل استرس‌زا اجداد ما یک افسانه‌ی شخصی مبنی بر اینکه - مرگ یک فرضیه‌ی پایدار است را ساخته‌اند (Newberg, Aquili, Rause, 2001:118). بر اساس نظریه‌ی (Boyd, & Zimbardo, 2005:191)، جاودانگی یک مسئله‌ی بسیار مهم برای بسیاری از مردم است. همچنین (Boyd, & Zimbardo, 2005:191)، ادعا کرده‌اند که نظام فکری مردم مرتبط با آینده‌ی متعالی هم یک چشم‌انداز زمان است؛ که تفکر درباره‌ی آن می‌تواند به مسائلی در زندگی از جمله (مثبت: اعتماد به نفس آرامش‌دهنده، اضطراب کم، تمرکز حواس و منفی: افسردگی، سطح بالای افسردگی، خودکشی، اضطراب و...) منجر شود. مهم‌ترین مسئله‌ی آن که در تفکر آینده‌ی متعالی باید به آن توجه داشت سلامت روان است. با نگاهی

به مفاهیمی که اندیشمندان متعالی به عنوان سپری از آن‌ها در برابر اضطراب مرگ عمل می‌کنند شاید بتوان به آرامش روانی دست یافت این مفاهیم به این شرح هستند:

۳,۳. خودکشی: زمان برای هریک از ما حد و مرزی دارد اما بسیاری از مردم دست به انتخاب پایان زندگی به وسیله ی خودکشی می‌زنند. (Morthy, 2001:138). واژه‌ی خودکشی گرچه در نگاه اول اضطراب‌آور به نظر می‌رسد، اما از زاویه چشم‌انداز زمان احتمالاً به عنوان سپری در برابر اضطراب مرگ است (Shneidman, 1996:215; Boyd, Zimbardo, 1996:38). از نظر چشم‌انداز زمان، درک شخصی از خودانتخابی مرگ موجب آرامش می‌شود و آن پایان دادن به یک موقعیت غیرقابل تحمل به صورت یک تجربه‌ای که در پس آن زندگی نهفته است تعریف می‌شود (Van Beek, Chistopolskaya, 2015:473).

۴,۳. سازندگی: سازندگی در حقیقت به آینده ی بلند مدت می‌پردازد؛ و شامل رفتارهایی چون نگهداری، محافظت و انتقال کالاها، سنت‌ها و همچنین رفتار نوع دوستانه از گذشته به آینده است که می‌تواند همچون پلی برای ارتباط با آینده باشد (Urien, Kilbourne, 2007:345). از آنجا که تداوم نسل و انتقال میراث به آیندگان باعث کاهش اضطراب مرگ می‌گردد پس سازندگی می‌تواند به عنوان ابزاری برای کاهش اضطراب مرگ استفاده شود (Urien, 2007:369).

۵,۳. توجه مثبت: آینده ی متعالی دارای دو بعد شناختی و عاطفی است (Boyd, & Zimbardo, 2008:91). یافته‌های تئوریک و تجربی مختلف نشان دادند که افراد با چشم‌انداز آینده ی متعالی تجربه‌های عاطفی خود را با توجه بیشتر به اطلاعات مثبت، یادآوری تجربه‌ی مثبت و یادآوری بیشتر شرح حال خود و عملکردهای متناسب برای اطلاعات مثبت که یک پدیده‌ی شناخته‌شده‌ای به نام "توجه مثبت" هست درمی‌آورند (Chen, Emely, 2011:13). از طرف دیگر اگر ما آینده ی متعالی را به عنوان یک چشم‌انداز زمان و همچون یک متغیر تفاوت فردی در نظر بگیریم، این ممکن است نحوه ی تفکرات یک فرد در مورد آینده ی متعالی و اینکه این تفکرات از نوع توجهات مثبت یا منفی است را بتوانیم توصیف کنیم (Boyd, Zimbardo, 2008:78) که توجهات منفی به خصیصه‌هایی مانند ناامیدی گوشه‌گیری و... منجر و توجهات مثبت به عنوان سپری در برابر اضطراب مرگ هستند (Urien, 2007:354). با در نظر گرفتن اینکه زمان محدود است و سرانجام اضطراب مرگ فرا می‌رسد، هر دو دیدگاه مکانیسم‌هایی مقابله‌ای را برای رهایی از این اضطراب پیشنهاد می‌کنند که در دیدگاه خیام شامل: خوش باشی، دم غنیمت شماری و روی آوردن

به میگزساری و باده‌نوشی برای لذت بردن هرچه بیشتر از زندگی است؛ اما در دیدگاه آینده‌ی متعالی این مکانیسم‌ها شامل: توجه مثبت به خودکشی، سازندگی و توجه مثبت است؛ که توجه مثبت تقریباً همانند خوشباشی خیام و لذت بردن از زمان حال را توصیه می‌کند. با این حال چون برای خیام زندگی پس از مرگ معنا ندارد، تمرکز وی روی لذت بردن از زندگی برای کاهش اضطراب مرگ تا زمانی است که فرد زنده است ولی در چشم‌انداز زمان آینده‌ی متعالی که دیدگاهی به آینده‌ی پس از مرگ است با اعتقاد به مفهوم سازندگی در قالب پوشش زمان می‌کوشد این مفهوم را ارائه کند که من "می‌روم ولی نسلم همچنان باقیست" و بدین ترتیب از اضطراب مرگ بکاهد.

۴. اعتقاد به بهشت و جهنم

یکی از جنبه‌های مرگ‌اندیشی اعتقاد به جهان آخرت و به دنبال آن، اعتقاد به بهشت و جهنم است. اگر رباعیات خیام را با رویکرد مابعدالطبیعه بخوانیم، روشن می‌شود که خیام، بهشت و دوزخ را استعاره‌هایی می‌بیند که بازتاب لحظات غم و شادی خود ما در این عالم است (فاضلی، ۱۳۸۷: ۶۷؛ کاکایی، جباره ناصرو، ۱۳۹۳: ۱۲۷). خیام با اعتراض به فقیهانی که مردم را به دو دسته‌ی بهشتی و جهنمی تقسیم می‌کنند، دین محوری را در قالب بهشت و جهنم نمی‌بیند (فاضلی، ۱۳۸۷: ۶۷). خیام بر اساس اعتقادی که به بهشت و جهنم دارد، آن دو را در نهاد بشر می‌داند و می‌گوید:

برتر ز سپهر خاطر مروز نخست

پس گفت مرا معلم از رأی درست

لوح و قلم و بهشت و دوزخ می‌جست

لوح و قلم و بهشت و دوزخ با توست

(ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۰: ۱۷۷-۱۷۸)

مفهوم کلی و کامل این رباعی این است که این مسائل از اول بوده و در حوادث پیدا نشده است. ذهن تنها در حوادث سراغ این مسائل را نمی‌گیرد؛ بلکه همیشه بوده؛ گویی با انسان خلق شده است. پس در یک کلام می‌توان گفت انسان همه چیز است. این همان چیزی است که قرآن به صراحت بیان می‌کند دوزخ در شماست «و فی انفسکم أ فلا تبصرون». اگر موقعیتش فراهم شود، شعله می‌کشد. بهشت نیز در شماست. اگر شروط آن نیز فراهم آید، نعمت‌های لایتناهی آن شکوفا می‌شود. نتیجه این که همه چیز در توست (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۰: ۲۵۶-۲۵۹). بنابراین از نظر خیام بهشت و جهنم وجود دارد و در همین دنیا ساخته شده است و طبیعی است که وقتی غایت دین‌داری، برخورداری از نعمت‌های بهشتی از جمله جوی‌های روان شراب و حوران سیاه‌چشم معرفی می‌شود، خیام می‌گوید آیا سیلی نقد به از حلوی نسیه نیست؟

من هیچ ندانم که مرا آنکه سرشت
 جامی و بتی و بریطی و لب کشت
 از اهل بهشت کرد یا دوزخ زشت
 این هر سه مرا نقد و تو را نسیه بهشت
 (خیام، ۱۳۸۱: ۴۳)

مردم در سراسر جهان اغلب به روش های گیج کننده ای عمل می کنند رفتارهایی مانند خودکشی، بمب گذاری انتحاری، سربازانی که خود را فدای دیگران می کنند و عده ای با کامیون پر از مواد منفجره به ساختمان های شلوغ می زنند. علاوه بر این نمونه ای از این رفتارها در مردم با هیجان کمتر مشاهده می شوند، مانند مسلمانان در طول روز پنج بار فعالیت های دنیوی خود را متوقف می کنند و رو به مکه می ایستند، میلیون ها مسیحی هر هفته به زیارت کلیساها می روند؛ اما انگیزه ی اصلی از این رفتارها چیست؟ روانشناسان اجتماعی عقیده دارند که تفسیر افراد از واقعیت، در مورد آنچه آن ها باور دارند، واقعیت را می سازد و می تواند باعث رفتارهای فوق العاده شود (Zimbardo, 1969:238). براساس نظر Lennings (۲۰۰۰:۱۷۱) انگیزه ی اصلی از چنین رفتارهایی میل به جاودانگی در جهانی دیگر است. بر اساس نظریه ی Zimbardo, Boyd (۲۰۰۸:۷۸) جاودانگی یک مسأله ی مهم برای بسیاری از مردم است؛ بنابراین لازم است که به اعتقادات مردم به زندگی پس از مرگ بپردازیم. Zimbardo, Boyd (۱۹۹۷:۳۸) اعتقاد داشتند که اگر افراد به این نتیجه برسند که امکان زندگی در آینده هست، بعید نیست که رفتارهایی مانند خشونت، بدرفتاری و اطاعت را تحمل کنند. در حقیقت آن ها می توانند به پیش بینی جایگاه ابدی بپردازند و این قابلیت پیش بینی زوال زندگی، و وجود آن ها در زندگی پس از مرگ را تأیید می کند (Chen, Emilly, 2011:12). از طرف دیگر تمایز بین جنبه های مثبت و منفی گذشته Boyd & Van Beek., Chistopolskaya (1999:1277) Zimbardo (۲۰۱۵:۴۷۳) به آینده و آینده ی متعالی ممکن است همچون چشم انداز گذشته اطلاعات بیشتری به دست دهد. مرگ در دیدگاه مذهبی به عنوان پایان درد و رنج و در بین ملحدان به سادگی عنوان پایان همه چیز در نظر گرفته می شود. یا برای کسانی که خداوند را به عنوان مجازات کننده در نظر می گیرند، امکان جهنم و رنج ابدی را پس از حکم نهایی در نظر می گیرند. در حالی که کسانی که به زندگی دیگر و فراهم آمدن فرصت دیگر پس از مرگ اعتقاد دارند، بسته به زندگی قبلی شان ممکن است این زندگی فراهم شود یا نشود. در نمودار زندگی پس از مرگ دیدگاهی بسیار کلی درباره زندگی پس از مرگ ارائه شده است (Van Beek, Karieyz, 2015:82). حال می توان با استفاده از چشم انداز آینده ی

متعالی دلایل رفتارهای خودکشی، بمب‌گذاری انتحاری و... را که در بالا آمده توضیح داد. در خودکشی اعتقاد بر این هست که از بین نمی‌روند بلکه وارد دنیای جدیدی می‌شوند و سربازانی که خود را فدا می‌کنند اعتقادشان بر این هست که پاداش خود را دریافت می‌کنند. در واقع هدف آینده‌ی متعالی، تبدیل رفتارهای غیرمنطقی افراد خاص به اعمال منطقی از طریق اعتقاد به اینکه آن‌ها جاودانه هستند و پس از مرگ هم هستند منعکس می‌شود (Boyd, Zimbardo, 1996:391). هم در دیدگاه خیام و هم در دیدگاه آینده‌ی متعالی اعتقاد به بهشت و جهنم وجود دارد اما بهشت و جهنمی که در نظریه‌ی خیام هست در درون خود فرد هست و خود فرد، محور همه چیز است؛ اما از نظر دیدگاه چشم‌انداز آینده‌ی متعالی دیدگاه افراد در مورد وجود یا عدم زندگی پس از مرگ بیانگر اعتقاد آن‌ها در مورد بهشت و جهنم است.

۵. جاودانگی

برخی خیام را ملحد و لادری (ناتوانی بشر از فهم چگونگی و چرایی هستی) و اساس مکتب وی را بر قضا و قدر هستی می‌دانند (قنبری، ۱۳۸۴: ۲۳۴). یکی از درون‌مایه‌های اصلی اندیشه شعر خیامی دگرگونی جهان و ناپایداری آن است:

زان باده که عمر را حیات دگر است پرکن قدحی گرچه تو را در دسر است
برنه به کفم که کار عالم سمر است بشتاب کنون که عمر من در گذر است
(خیام، ۱۳۸۱: ۹۶، رباعی ۷)

از نگاه او موجودات در گردش ابدی و مستمر هستند که عناصر آن‌ها پیوسته در حال تجزیه و ترکیب است، انسان می‌میرد و جسمش را به خاک می‌سپارد، عناصر ترکیب‌کننده‌اش پس از چندی از یکدیگر دور و تجزیه و سپس ترکیب می‌شوند و اشیائی مثل آجر و... را می‌سازند (مسبوق، نظری منظم، فرزبود، ۱۳۹۱: ۱۵۲). خیام حتی در کنار جویبارها با احتیاط قدم برمی‌دارد و اعتقاد دارد خاکی که بر آن پا می‌نهییم خاک وجود مردمانی است که همانند ما جان داشته، زندگی کرده و هوا و هوس داشته‌اند. خیام در این دسته از رباعیات، نه تنها با دیدگاهی واقع‌گرایانه، فناپذیری انسان و جهان را یادآوری می‌کند و مورد تأکید قرار می‌دهد؛ بلکه به یک اصل مهم و جدید علمی اشاره می‌کند؛ اصلی که مطابق آن عناصر موجود، بیش‌ی و کمی نمی‌پذیرند و تنها تغییر و تبدیل می‌نمایند و آن همان اصل بقای عناصر است (کهندانی، ۱۳۸۴: ۸). مفهوم جاودانگی در آینده‌ی متعالی ممکن است یک منبع انگیزه‌ای قوی به دست دهد و به انسان اجازه دهد تا تعالی خود را از مفاهیم

غیر قابل اصلاح و یا نامیدکننده جدا کرده و به انسان امیدواری پاداش اعمال را بدهد (Van Beek, Chistopolskaya, 2015:478) جاودانگی در دیدگاه آینده‌ی متعالی به عنوان یک بعد عاطفی برای مقابله با عدم وجود شخص هست. این تئوری پیش‌بینی می‌کند که افراد مسن به احتمال بیشتری به چشم‌انداز آینده‌ی متعالی می‌پردازند، زیرا به آن‌ها احساس زندگی ابدی می‌دهد (Hood, Morris, 2007:36) (Urien, 1983) ادعا می‌کنند که پنج حالت جاودانگی نمادین به شرح زیر است:

الف. بیولوژیکی: با توجه به این حالت، افراد معتقدند که با وجود مرگ واقعی در فرزندان خود باقی خواهند ماند. ب. حالت خلاق: باقی ماندن در آثار علم و هنری است که افراد در سراسر زندگی خود ایجاد می‌کنند؛ و پس از مرگ نوشته‌های آن‌ها باقی خواهد ماند. ج. حالت مذهبی یا وابسته به علوم الهی: مربوط به زندگی پس از مرگ که یک دیدگاه تقریباً مذهبی است. این اصل همچنین به معنای انتقال به جایگاهی متفاوت، با یک هستی با کیفیت بالاتر هست د. حالت طبیعی: به معنای درک ما از اینکه طبیعت اطرافمان بی‌حد و حصر است و حتی پس از مرگمان نیز ادامه خواهد داشت. ه. تجربی یا عرفانی: شامل وحدت با چیزی فراتر از فرد، همچنین تجربه‌ی صوفیگری و از خود بی‌خود شدن است؛ که افراد بر حسب مذهب و دیدگاهشان در مورد زندگی پس از مرگ می‌توانند یکی از این حالت‌های جاودانگی نمادین را داشته باشند (Van Beek, 2015:7). بنابراین مفهوم جاودانگی در هر دو دیدگاه وجود دارد. در حالی که جاودانگی خیام دنیوی و شامل تبدیل عناصر به چیزهای دیگر است. در دیدگاه چشم‌انداز آینده‌ی متعالی پنج حالت جاودانگی نمادین وجود دارد که هر شخصی بنا به فرهنگ و مذهب خود می‌تواند به یکی از آن‌ها اعتقاد داشته باشد.

۶. اغتنام فرصت

خیام در بسیاری از آثار خود به اغتنام فرصت و دم غنیمت شمردی فرا می‌خواند و از آدمی می‌خواهد به جای تباہ کردن لحظه‌های زندگی آن را پاس بدارد. او بدین باور هست که به جای اندوه گذشته و ترس از آینده باید حال را دریافت:

قومی گویند جمله برداشتنی است
این خانه به ناز و نعمت انباشتنی است
نوبت چو به من رسید عقلم فرمود
خوش در بگذر که جمله بگذاشتنی است

(میر افضلی، ۱۳۸۲: ۲۷۵)

خیام به قضا و قدر و سرنوشت و آنچه که بوده و خواهد بود یا اتفاق خواهد افتاد عقیده دارد اما بحث درباره ی آن را بی‌فایده می‌داند (صمصام شریعت، کلانتری، ۱۳۹۳: ۷). حضرت علی (ع) در این باره می‌فرمایند: «آنچه گذشت، گذشته است و آنچه خواهد آمد ناپیداست، برخیز زمان میان دو نیستی را دریاب». عطار در این باره می‌گوید:

اگر عمر تو صد سال است و گر بیست
جز این دم کاندرویی حاصلت چیست؟
نصیبت گر تو را صد سال داده است
دمی حالی است، دیگر جمله باد نیست
(گوهرین، ۱۳۸۸: ۱۹)

آنچه خیام پیوسته بشر را به آن وصیت می‌کند، این است که ما باید تا قبل از اینکه مرگ مان فرا رسد، لحظه لحظه‌ی زندگی را به شادمانی بگذرانیم؛ البته یاد مرگ این شادی را با تلخی در می‌آمیزد (میرزایی، شریفیان، پروانه، ۱۳۸۸: ۱۶۳). اغتنام فرصت، علاوه بر بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های بالقوه‌ی زمان و مکان، لوازم دیگر هم نیاز دارد که از جمله آن‌ها قطع رابطه با گذشته و آینده است «حال» متن گسترش‌یافته‌ی گذشته و نقطه‌ی ورود به «آینده» است پس گذشته و آینده مفاهیمی ذهنی‌اند با این تحلیل، تئوری اغتنام فرصت خیام غنی‌تر می‌شود: از خاطرات گذشته یاد مکن و از دست آینده فریاد مکن، لحظه‌ها را بر مبنای گذشته‌ی ناگوار و آینده‌ی ناپایدار بنیاد مکن. بلکه لحظه‌ها را فقط در درون لحظه‌ها تفسیر کن. لحظه‌ها هدفی جز خودشان ندارند «وقت ما نفسی در میان دو نفس است: یکی گذشته و دیگری آینده است دیروز سپری شده و فردا نیامده است. روز همین امروز و امروز همین ساعت و ساعت همین نفس است»، پس باید آن را غنیمت شمرد (یاحقی، براتی، ۱۳۸۵: ۳۷).

از دی که گذشت هیچ از او یاد مکن
بر نامده و گذشته بنیاد مکن
فردا که نیامده است فریاد مکن
حالی خوش باش و عمر بر باد مکن
(خیام، ۱۳۸۱: ۷۴: رباعی ۱۳۶)

افق‌های زمانی به مردم در انتخاب هدف و انگیزه‌ی آن‌ها در هر سه دوره‌ی جوانی پیری و سالخوردگی کمک می‌کند. که معمولاً جوانان و نوجوانان، تمرکز خود را روی آینده متمرکز می‌کنند (کریستین سن، فونگ، چارلز، ۲۰۰۳: ۱۱۳) که به آن "جهت‌گیری زمانی" گفته می‌شود. جهت‌گیری زمانی: جهت‌گیری فرد به یکی از ابعاد گذشته، حال و آینده است (نیوتین، ۱۹۸۵: ۲۱۳). در سن پیری یا بیماران لاعلاج و آن‌هایی که می‌دانند زمان در حال تمام شدن است، چشم‌انداز زمانی خود

را به جای تمرکز روی آینده بر روی حال متمرکز می‌کنند و به اولویت‌بندی اهداف عاطفی، افزایش تجارب لذت‌بخش مربوط به هیجان‌ات، درگیری در وضعیت‌های مثبت و جستجوی معنا برای هیجان و رضایت از تجربه‌های هیجانی می‌پردازند (Scheibe, Carstensen, 2010:138; Fung., Carstensen, 2003:170)). اما افراد مسن و کسانی که دیدگاه آینده‌ی متعالی دارند درک می‌کنند که زمان محدود است و می‌بینند که آینده با انتخاب‌های آن‌ها همخوانی ندارد، پس با رجوع به تفکر خود توجه خود را به اینجا و اکنون و بهینه‌سازی رضایت هیجانی از لحظه‌های حال متمرکز می‌کنند (Scheibe, Carstensen, 2010:137). در مورد اغتنام فرصت‌ها، هر دو دیدگاه بر روی لذت بردن از زمان حال و توجه به اینجا و اکنون تأکید می‌کنند؛ اما از آنجا که یافته‌های چشم‌انداز آینده در مورد اغتنام فرصت از تحقیق در افراد مسن به دست آمده و هنوز تحقیقی روی افراد میان‌سال و جوان صورت نگرفته نمی‌توان با اطمینان گفت که افراد جوان‌تر که دیدگاه آینده‌ی متعالی دارند هم بر لذت بردن از زمان حال تأکید می‌کنند.

۷- نتیجه

با بررسی و مقایسه‌ی دیدگاه خیام که صرفاً از خلال رباعیاتش به دست آمده و دیدگاه آینده‌ی متعالی که پژوهشی نوین در علم روانشناسی است و به مرگ از منظر نسبتاً علمی می‌نگرد، دریافت می‌شود که به طور کلی هر دو دیدگاه به مرگ اعتقاد دارند اما در حالی که چشم‌انداز آینده‌ی متعالی تمرکز خود را روی آینده‌ی پس از مرگ قرار داده خیام اعتقادی به آینده‌ی پس از مرگ ندارد و معتقد است همه چیز با مرگ به پایان می‌رسد. او برای مقابله با اضطراب مرگ، خوشباشی و لذت بردن از لحظه‌های حال حاضر را توصیه می‌کند در حالی که دیدگاه آینده‌ی متعالی علاوه بر این روش‌ها از روش‌های منفی مانند خودکشی بهره می‌گیرد؛ و اعتقاد دارد پایان دادن به زندگی توسط خود فرد می‌تواند یک نوع خشنودی در او ایجاد کند. همچنین در حالی که خیام بهشت و جهنم را در درون خود فرد می‌بیند چشم‌انداز آینده‌ی متعالی برخلاف او اعتقاد به یک سرزمین بیرونی بر حسب دیدگاه آینده‌ی افراد از این سرزمین است. مفهوم جاودانگی نیز در هر دو دیدگاه به گونه‌ی متفاوتی مطرح می‌شود، در حالی که خیام اعتقاد به جاودانگی دنیوی و بازگشت دوباره به چرخه‌ی مواد را توصیه می‌کند، دیدگاه چشم‌انداز آینده‌ی متعالی حالت‌هایی از جاودانگی نمادین را مطرح می‌کند که هر فردی ممکن است به یکی از آن‌ها گرایش داشته باشد اما شاید بیشترین تشابه در دو دیدگاه، مسأله‌ی اغتنام فرصت است. هم دیدگاه خیام و هم چشم‌انداز آینده‌ی متعالی بر لذت

بردن از زمان حال تأکید دارد، چیزی که در دیدگاه چشم‌انداز آینده‌ی متعالی تحت عنوان حال لذت‌گرا تعریف شده است.

۸-منابع

- ۱- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، هستی و مستی؛ گفت و گو از کریم فیض، تهران: اطلاعات، ۱۳۹۰.
- ۲- حسام پور، سعید؛ حسن لی، کاووس، «زمان گذران در نگاه بی‌قرار خیام»، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ۴۷، صص ۱۷-۵۳، تبریز، پاییز ۱۳۸۳.
- ۳- خطاط، نسرين؛ شوهانی، علیرضا، جلوه‌هایی از مکتب باروک در رباعیات خیام. مجله پژوهش ادبیات معاصر جهان: دوره ۱۱ شماره ۳۳، صص ۴۹-۶۴، تهران، پاییز ۱۳۸۵.
- ۴- خیام نیشابوری، حکیم ابوالفتح، رباعیات خیام، با تصحیح دینانیو مقدمه و حواشی محمدعلی فروغی و قاسم غنی، ویراسته‌ی بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ سوم، تهران: ناهید. ۱۳۸۱.
- ۵- رحمدل، غلامرضا، مقایسه اغتنام فرصت در اندیشه‌های حافظ و خیام، نشریه ادب پژوهی: دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۱۸ - ۱۴۱، گیلان، تابستان ۱۳۸۵.
- ۶- صمصام شریعت، سید محمد رضا؛ کلانتری، محسن، روانشناسی شخصیت از دیدگاه عمر خیام نیشابوری، چشم‌انداز امین در روانشناسی کاربردی: دوره ۱، شماره ۴، صص ۱ - ۹، اصفهان، پاییز ۱۳۹۳.
- ۷- فاضلی، مه‌بود، نظام فکری خیام، فصلنامه پژوهش‌های ادبی: فصل ۵، شماره ۲۰، صص، ۶۱-۸۹، تابستان ۱۳۸۷.
- ۸- فولادوند. محمد مهدی. خیام‌شناسی. تهران: فروغی، ۱۳۴۸.
- ۹- کاکایی، قاسم؛ جبار ناصر، محبوبه، بررسی تطبیقی مرگ‌اندیشی از دیدگاه خیام و عطار، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز: دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۱۱۳ - ۱۳۶، شیراز، پاییز ۱۳۹۳.
- ۱۰- کهندانی، مهناز، «خیام کافر یا حکیم»، باشگاه اندیشه، <http://www.rawzana.com>، بهار ۱۳۹۴.
- ۱۱- گوهرین، صادق، اسرارنامه، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۳۸.

۱۲- مسبوق، سید مهدی؛ نظری منظم، هادی؛ فرزبود، حدیثه، خوشباشی و دم-غنیمت-شمیری-
در اندیشه‌های خیام نیشابوری و طَرَفَه بن عبد، متن شناسی ادب فارسی: دوره ۲ شماره ۱، صص
۱۶۲-۱۴۷، بهار ۱۳۹۱.

۱۳- میرافضلی، سید علی، رباعیات خیام در منابع کهن، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.

۱۴- میرزایی، فرامرز؛ شریفیان، مهدی؛ پروانه، علی، مرگ‌اندیشی خیامی در آثار دو شاعر فارسی و
عربی، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، دوره ۱ شماره ۱، صص ۱۵۹-۱۷۷، زمستان ۸۸.
۱۵- نفیسی، مجید، چهار نگاه به مرگ. مجله آرش، شماره ۹۶-۹۷. صص ۱۹-۲۷، لرستان، پاییز
۱۳۸۵.

۱۶- نوروزی داوودخانی، ثورالله، بررسی و تحلیل مضامین مرگ در شعر مولوی، خیام، سهراب
سپهری و فریدون تولگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم
انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران [استاد راهنما حسینعلی قبادی] ۱۳۷۹.

۱۷- یاحقی، محمد جعفر؛ براتی، محمد رضا (بی تا)، بوطیقای مرگ در شعر سنایی و خیام،
مجله نامه انجمن: سال ۸، شماره ۲۱، صص ۲۵-۵۰، تهران، بهار ۱۳۸۵.

18-Boyd, J. N., & Zimbardo, P. G. (1996). **Constructing time after death:**
.The transcendental-future time perspective. *Time & Society*, 6, 35-54

19-Boyd, J. N., & Zimbardo, P. G. (1997). **Constructing time after**
death the transcendental-future time perspective. *Time & Society*, 6(1), 35-
.54

20-Boyd, J. N., & Zimbardo, P. G. (2005). **Time perspective, health,**
.and risk taking. In A

21-Carstensen, L. (2006). **The influence of a sense of time on human**
.development. *Science*, 312, 1913-1915

22-Chen, S., Emilly, M (2011). **Time perspective, death anxiety and**
emotional regulation processes in older adults (Outstanding Academic
Papers by Students (OAPS). Retrieved from City University of Hong Kong,
City U Institutional Repository, pp: 11-13. <http://hdl.handle.net/2031/6436>

23-Freud, S. (1959). **The defense neuro-psychoses.** In E. Jones (Ed.), &
J. Riviere (Trans.), *Collected papers* (Vol. 1, pp. 59-75). New York: Basic
Books. (Original work published in 1894.)

24-Fung, H. H., Carstensen, L. L. (2003). **Sending memorable**
messages to the old: Age differences and memory for emotionally

- meaningful advertisements. *Journal of personality and social psychology*, .85,163- 178
- 25-Hood Jr, R. W., & Morris, R. J. (1983). **Toward a theory of death .transcendence**. *Journal for the Scientific study of Religion*, 353-365
- 26-Lennings, C.J. (2000). **Optimism, satisfaction and time perspective in the elderly**. *International Journal of Aging and Human Development*, .51, 167-181
- 27-Murthy, R. S. (Ed.). (2001). **The World health report 2001: Mental health: New understanding, new hope** . Geneva: World Health .Organization.pp:132-141
- Newberg, A., D'Aquili, E., & Rause, V. (2001). **Brain science and the .biology of belief: Why God won't go away**.112-131
- 29-Ortuño, V. E., Paixão, M. P. & Janeiro, I. N. (2013). **Adaptação - portuguesa da transcendental-future time perspective scale**. *Avances en .Psicología Latinoamericana*, vol. 31(2), pp. 376-388
- 30-Scheibe,S., Carstensen, L. L. (2010). **Emotional aging:Recent findings and future trends**. *Journal of gerontology series B: psychological .science & social science*, 65B(2), 135-144
- 31-Seema, R., Sircova, A., Baltin, A., & Pork, M. (2014). **Transcendental future – Is it healthy belief or time perspective?** *Time Perspective Inventory (TTPI) (Boyd Zimbardo, 2006) in Estonians*. Oral presentation presented on First International Conference on Time .Perspective, Coimbra, Portugal.18(1).57-75
- 32-Shneidman, E. S. (1996). **The suicidal mind** . New York: Oxford .University Press.pp:213-223
- 33-Suddendorf, T. and M. C. Corballis (2007) “**The evolution of foresight: what is mental time travel, and is it unique to humans?**”. *Behavioral and Brain Sciences* 30, 299–313
- 34-Tetlock, P. (1989) ‘**Accountability: A Social Magnifier of the Dilution Effect**’, *Journal of Personality and Social Psychology* 57: 388-.398
- 35-Urien, B. (2007), **Selfless Time From life space to death anticipation**. *Time & Society* copyright .SAGE (Los Angeles, London, New Delhi and Singapore) VOL. 16 No. 2/3 (2007), pp. 367–386 0961-.463X DOI: 10.1177/0961463X07080273
- 36-Urien, B. and Kilbourne, W. (2007) **Generativity and its Relationship to Eco-Friendly Consumption Behaviour**. San Diego, CA: .American Marketing Association (AMA).pp:354-357

- 37-Van Beek, W. Kairys, A. (2015). **Time Perspective and Transcendental Future Thinking**. Time Perspective Theory; Review, Research and Application Essays in Honor of Philip G. Zimbardo, DOI .10.1007/978-3-319-07368-2_4.73-87
- 38-Zimbardo, P. (1969) '**The Human Choice: Individuation, Reason and Order Versus Deindividuation**, Impulse and Chaos', in W.J. Arnold and D. Levine (eds) Nebraska Symposium on Motivation Vol. 17, pp. 237-.307. Lincoln: University of Nebraska Press
- 39-Zimbardo, P. G., & Boyd, J. N. (1999). **Putting time in perspective: A valid, reliable individual differences metric**. Journal of Personality and Social Psychology, 77 (6), 1271-1288
- 40-Zimbardo, P., & Boyd, J. (2008). **The time paradox: The new psychology of time that will change your life**. Simon and Schuster. pp:391
- 41-Zimbardo, P.G., & Boyd, J.N. (1999). **Putting Time in Perspective: A valid, reliable individual-differences metric**. Journal of Personality and Social Psychology, 77, 1271-1288